

نقد تحلیلی چهار شبهه ابن تیمیه در جهت نفي دلالت «آیه تبلیغ» بر «امامت» امام علی علیه السلام*

فاطمه مرادی^۱

چکیده: «آیه تبلیغ»، از جمله آیاتی است که دلالتش بر «ولایت» و «امامت» حضرت علی علیه السلام مورد اعای شیعه و انکار مخالفان بوده است. ابن تیمیه حرانی، از جمله مخالفانی است که با طرح شبههاتی چون: تکذیب شأن نزول مورد ادعای شیعه، ابهام افکنی در زمان نزول، عام بودن مصداق «مأنزل»، و افتراء به قرآن دانستن استدلال شیعه، کوشیده است تا درستی استدلال های دانشوران شیعی در جهت اثبات ادعای مذکور را مورد خدشه قرار دهد. نظر به جایگاه پراهمیت «آیه تبلیغ» در منظومه اعتقادی شیعه و همچنین ضرورت زدودن شبهات، این تحقیق، با هدف پاسخ به شبهات مورد اشاره ابن تیمیه، با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی فراهم آمد. یافته های تحقیق حاضر حاکی از آن است که شبهات ابن تیمیه، شبههاتی بی اساس و برخلاف شواهد مسلمی است که نه تنها شیعه، بلکه بسیاری از بزرگان اهل سنت بر درستی آن شواهد صححه گذاشته اند. بنابراین، دلالت «آیه تبلیغ» بر «امامت» و «ولایت» حضرت علی علیه السلام، قطعی است و هیچ گونه خدشه ای بر آن وارد نمی باشد.

کلید واژه: شبهات، ابن تیمیه، آیه تبلیغ، امامت، ولایت، امام علی علیه السلام.

* دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۳؛ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱.

۱. سطح چهار جامعه الزهرا علیه السلام. Barbalemalaek1355@gmail.com.

مقدمه

از جمله ادله قرآنی که شیعیان جهت اثبات امامت و ولایت به آن استدلال می‌کنند، آیه ۶۷ سوره مائده، مشهور به «آیه تبلیغ» است: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده، ۶۷)

در شأن نزول آیه فوق، آمده است که این آیه در ۱۸ ذی الحجه، پس از بازگشت رسول خدا از حجة الوداع در منطقه غدیر خم، در شأن حضرت علی عليه السلام و اعلام ولایت و امامت ایشان، نازل شده است. (ترمذی، ۱۹۷۵م، ج ۶، ص ۷۴؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۳۶۸؛ صدوق، ۱۳۷۰ش، ص ۴۲۸؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵ق، ج ۳، ص ۶۱۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۷۵) این در حالی است که مخالفان ولایت اهل بیت عليهم السلام با طرح شبهاتی متعدد، درصدد انکار ارتباط آیه مورد بحث با امامت و ولایت هستند؛ چنانکه ابن تیمیه در کتاب «منهاج السنة» خویش، در پاسخ به استدلال علامه حلی، نزول آیه تبلیغ در شأن حضرت علی عليه السلام را انکار کرده است.

براساس بررسی‌های صورت گرفته، محققان و عالمان شیعی، در برخی از نوشته‌های مستقل و غیرمستقل خویش به نقد و بررسی شبهات وی، پرداخته‌اند.

نوشته‌های غیرمستقل: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتاب «نظرة في كتاب منهاج السنة النبويه» از علامه امینی؛ «منهاج الشريعة في الرد على منهاج السنه» از سید محمد مهدی موسوی کاظمی قزوینی و مقالاتی چون: «بررسی دیدگاه‌های فریقین درباره آیه تبلیغ» از فتح الله نجازادگان؛ «بررسی تطبیقی آیات تبلیغ و اکمال از دیدگاه فریقین (باتأکید بر پاسخگویی به شبهات جدید)» از سید ارشد حسین کاظمی و «تحلیل و بررسی آیه تبلیغ در بین مفسران شیعه و اهل سنت و پاسخ به شبهات منتقدین از اهل سنت» از سید قاسم موسوی.

نوشته‌های مستقل:

نوشته‌هایی که به طور مستقل شبهات ابن تیمیه بر آیه تبلیغ را مورد بررسی قرار داده

باشند؛ انگشت شمارند و تنها در برخی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، به نحو پرسش و پاسخ، نقدهایی کوتاه مشاهده می‌شود.

دقت در تألیفات صورت گرفته روشن می‌سازد که درباره شبهات ابن تیمیه بر آیه تبلیغ، پژوهش جامع و مستقلى وجود ندارد؛ از این رو تحقیق حاضر نظر به جایگاه پراهمیت «آیه تبلیغ» در منظومه اعتقادی شیعه، ضرورت زدودن شبهات، و همچنین تداوم طرح شبهات ابن تیمیه در جهت نفی دلالت آیه تبلیغ بر امامت از سوی تابعان او با هدف پاسخ به شبهات مورد اشاره ابن تیمیه، با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی فراهم آمد.

استدلال علامه حلی به آیه تبلیغ

با توجه به اینکه شبهات ابن تیمیه بر آیه تبلیغ، ناظر به استدلال علامه حلی به این آیه است، پیش از طرح و بررسی شبهات وی، استدلال علامه از نظر گذرانده می‌شود. ایشان در مقام اثبات ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام، با استفاده از آیه تبلیغ، می‌نویسد: «اهل سنت اتفاق نظر دارند که آیه ۶۷ سوره مائده، درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است.» (حلی، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۱۱۸) ایشان در ادامه می‌افزاید: «ابو نعیم اصفهانی با سندی از علمای اهل سنت به نقل از عطیه نقل می‌کند که این آیه درباره علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است.» (همان)

علامه، سپس به دو روایت از تفسیر ثعلبی اشاره می‌نماید: روایت اول: «معنای آیه اینکه آنچه را ما درباره فضیلت حضرت علی علیه السلام بر تو نازل کردیم به مردم برسان. پس از نزول این آیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مولای همه صحابه است، پس علی نیز، مولای آنهاست؛ از این رو امامت او ثابت می‌شود.» روایت دوم: «در غدیر خم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ». چیزی نگذشت که این خبر در اطراف پیچید. نعمان بن حارث فهری (از منافقان)؛ خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد به ما دستور توحید، جهاد، حج، نماز و زکات را دادی، پذیرفتیم و اینک علی را به جانشینی خود منصوب کردی. آیا این کار از ناحیه خدا بوده، یا از ناحیه خودت بوده است؟ حضرت فرمود: «قسم به خدا

از ناحیه اوست.» نعمان بن حارث گفت: خداوندا اگر این سخن حق است و از ناحیه توست؛ سنگی از آسمان بر ما بیار؛ ناگهان سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و او را کشت و اینجا بود که آیه اول سوره معارج «سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» نازل گشت.

شبهات ابن تیمیه بر آیه تبلیغ شبهه اول: تردید و تکذیب شأن نزول

ابن تیمیه، اتفاق علماء بر نزول آیه مذکور در شأن علی ع را کذب دانسته، می نویسد: هیچ‌یک از علمای دارای ادراک، چنین سخنی را نگفته و آنچه ابو نعیم و مانند او نقل کرده‌اند، ساختگی است؛ چرا که اهل معرفت، همه اتفاق نظر دارند که در میان آنچه آنان نقل نموده‌اند روایات جعلی فراوانی وجود دارد و اصل در نقل روایات این است که به دانشمندان حدیث شناس مراجعه شود و هیچ‌یک از علمای حدیث شناس، در نوشته‌های خویش، چنین روایتی را نقل نکرده‌اند. ثعلبی، اهل علم نیست؛ بنابراین، صرف نقل ثعلبی و مانند او، دلیل بر صحت این روایت نیست؛ افزون بر اینکه اهل علم و معرفت اجماع دارند آنچه ثعلبی در تفسیرش آورده از روایات ساختگی است. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۲۳)

پاسخ شبهه اول:

اولاً: باتوجه به اینکه ابن تیمیه در بخشی از شبهه فوق، بیان داشت که مرجع تشخیص روایات صحیح از ناصحیح علمای حدیث شناس است؛ لذا انتظار می‌رفت ایشان پیش از مجعول خواندن نقل ثعلبی - حدیث غدیر - دیدگاه علمای حدیث شناس عامه را درباره نقل ایشان، از نظر مخاطب بگذرانند. عدم مبادرت ابن تیمیه به این اقدام، برخاسته از تعصب و اثبات کننده کذب اوست؛ چرا که بررسی اقوال علمای حدیث شناس اهل سنت، حاکی از آن است که ایشان برخلاف نظر ابن تیمیه، نه تنها نقل ثعلبی را صحیح دانسته؛ بلکه با استناد به تظافر طرق و تعدد اسانید حدیث غدیر بر تواتر آن شهادت داده‌اند. (ذهبی، ۱۴۲۸ق، ج ۱۴، ص ۶۱؛ ابن الجزری، بی تا، ص ۴۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۶۱؛

آلبانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، صص ۳۳۱-۳۳۲)

ثانیاً: مستند نزول آیه تبلیغ، در شأن حضرت علی علیه السلام در غدیر خم، تنها روایت نقل شده از ثعلبی، ابونعیم و یا دیگری نیست؛ بلکه صرف نظر از منابع شیعی، مصادر پرشماری از اهل سنت به نقل از جمع کثیری از صحابه و تابعین، به این حقیقت اعتراف دارند که آیه ابلاغ در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده است. (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۲۸۱؛ ترمذی، ۱۹۷۵م، ج ۶، ص ۷۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵ق، ج ۳، ص ۶۱۳؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۹ق، ص ۲۰۲؛ ابن عساکر، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۸۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۱۴۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۱۷) و....

ثالثاً: تضعیف شخصیت علمی ثعلبی و مجعول خواندن نقل او، دست‌آویز سستی است که ابن تیمیه جهت نفی دلالت آیه تبلیغ بر امامت علی علیه السلام، بدان تمسک نموده است؛ چرا که ثعلبی در عصر خویش، در علوم مختلف به ویژه تفسیر، آوازه بسیار بلند داشته (یا قوت حموی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۶۶۲) و در نگاه اندیشمندان اهل سنت، شخصیت ایشان، منزّه از چنین اتهاماتی است. (ابن قاضی شهبه، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۰۷؛ ابن خلکان البرمکی، ۱۹۰۰م، ج ۱، ص ۸۰) بنابراین، با توجه به شخصیت علمی ثعلبی، می‌توان گفت دلیل اینکه ابن تیمیه، ثعلبی را به کم‌مایگی در حدیث و ذکر مجعولات، متهم می‌کند، این است که ایشان به دلیل عدم تعصب معمول برخی اهل سنت، در تفسیر خویش، روایات شیعه در فضائل اهل بیت علیهم السلام را ذکر کرده است. (معرفت، ۱۳۸۷ش، ج ۲، ص ۳۴۴) اثبات این سخن اینکه: ابو شهبه بی‌پرده از او به دلیل نقل احادیث شیعه انتقاد کرده است. (ابوشهبه، ۱۹۹۲م، ص ۱۲۷)

رابعاً: در پاسخ به سخن ابن تیمیه در انتهای شبهه مذکور، مبنی بر اجماع علمای اهل علم و ادراک بر ساختگی بودن نقل ثعلبی، باید سخن قدوری الحسنی را یادآور شد و پرسید: «ضابطه ابن تیمیه در تحدید اهل علم چیست؟ وقتی ضابطه‌ای در میان نباشد؛ ابلیس نیز اهل علم خواهد بود؛ چرا که بر اساس آیه ۱۶ سوره اعراف، او اعلم به صراط مستقیم است. آیا ابن تیمیه که ادعای اجماع بر مجعول بودن نقل ثعلبی کرده، به همه اقطار مسلمین سفر کرده و نظرات تمام علمای ایشان را پرسیده است؟ اگر گفته شود: بله،

در این صورت باید تمام عمر را در جست‌وجوی اهل علم گذرانده باشد؛ حتی در این صورت نیز هرگز نمی‌توانسته اقوال علماء را جمع کند و اگر گفته شود: نه، کذبِ او ثابت می‌شود.» (قدوری الحسنى، ۱۴۳۳ق، صص ۱۰۸-۱۱۱)

شبهه دوم: تردید در زمان نزول

شبهه دیگر ابن تیمیّه ناظر بر زمان نزول آیه تبلیغ است؛ ایشان نزول آیه تبلیغ در ۱۸ ذی الحجّه را کذب خوانده، می‌نویسد: ادعای رافضی (علامه حلی) مبنی بر خطبه خواندن رسول خدا ﷺ پس از نزول آیه ابلاغ در غدیر خم، دروغی بیش نیست؛ چرا که این آیه مدت‌ها قبل از حجة الوداع نازل شده است. ایشان در ادامه برای اثبات ادعای خویش، می‌گوید: آخرین آیه سوره مائده از جهت نزول، آیه سوم، معروف به آیه اکمال بوده که طبق اذعان قاطبه اهل تفسیر و حدیث، در روز عرفه - روز جمعه - نازل شده است؛ با این حال چگونه ممکن است که آیه ۶۷ از این سوره، در روز ۱۸ ذی الحجّه، یعنی ۸ روز بعد از نزول آخرین آیه، نازل شده باشد؟ بر طبق اتفاق اهل علم، آیه تبلیغ، از جمله اولین آیاتی است که در مدینه نازل شده است. بر این اساس، هر کس بگوید آیه‌ای از سوره مائده مربوط به غدیر خم هست؛ به اتفاق اهل علم کاذب و مفتر است. (ابن تیمیّه، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۳۱۴).

پاسخ شبهه دوم:

تلاش متعصبانه ابن تیمیّه در شبهه فوق، برای ابهام افکنی در زمان نزول آیه تبلیغ، به دلایل زیر باطل است:

اولاً: آیه تبلیغ در سوره مائده قرار دارد و این سوره بر اساس نظرات جمعی از مفسران پرآوازه فریقین (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۲۳۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۴۳)، آخرین یا یکی از آخرین سوره‌های نازل شده بر رسول خدا ﷺ است؛ بنابراین، پذیرش ادعای ابن تیمیّه مبنی بر نزول آیه تبلیغ در اوایل هجرت، تالی فاسدی خواهد داشت و آن اینکه آیه مذکور، سالیان سال بعد از نزول، در کتاب خدا جایگاهی نداشته و بدون الحاق به سوره‌ای، جداگانه قرائت شده باشد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۱۵۱)

ثانیاً: تمسک به زمان نزول آیه اکمال به عنوان آخرین آیه نازل شده از سوره مائده، قرینه متقنی برای زیر سؤال بردن نزول آیه تبلیغ در روز غدیر خم نیست؛ چرا که بر اساس تصریح برخی از اندیشمندان اهل سنت، برخی از سوره و آیات به دلایل متعددی چون: عظمت شأن واقعه، یادآوری در هنگام تکرار سبب نزول، و یا ترس از نسیان، دوبار بر پیامبر نازل می‌شد. (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۰؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳ ص ۷۵ و ج ۵، ص ۱۶۷)

ثالثاً: ابن تیمیه در قرینه اول شبهه فوق، مدعی شده که نزول آیه اکمال در روز عرفه، قول قاطبه اهل سنت است؛ در حالی که تتبع در اقوال ایشان، عکس ادعای وی را ثابت می‌کند؛ زیرا از یک سو گروهی از اندیشوران اهل سنت، سبب نزول آیه اکمال را واقعه غدیر دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۹۸؛ ابن عساکر، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۲۳۷؛ ابن مغزلی، ۱۴۲۴ق، صص ۱۸) و از سوی دیگر، برخی چون سفیان ثوری، یا در نزول آیه اکمال در روز عرفه تشکیک کرده‌اند (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۸۶) یا به زمان دیگری چون شب مزدلفه (مسلم بن حجاج نیشابوری، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۲۳۹) یا روز دوشنبه (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۱۸۳)، اشاره نموده‌اند.

رابعاً: بر فرض پذیرش نزول «آیه اکمال» در روز عرفه، این قول، نزول آیه تبلیغ در روز غدیر خم را نفی نمی‌کند؛ بلکه برعکس، مؤید نزول آیه تبلیغ در روز غدیر خم است. توضیح اینکه تدبیر در دو آیه تبلیغ و اکمال، و نیز تدبیر در احادیث فریقین و روایات متواتر غدیر، همراه با تحلیل اوضاع داخلی جامعه اسلامی در اواخر عهد پیامبر ﷺ، برای انسان، یقین می‌آورد که «امر به ولایت»، پیش از غدیر و در روز عرفه نازل شده بوده و پیامبر بیم آن داشت که با اظهار آن، مردم آن را نپذیرند و یا با دروغ و تهمت و جوسازی، اساس دین را متزلزل سازند؛ پس ابلاغ آن را به تأخیر انداخت؛ تا آن که آیه ابلاغ نازل شد و مهلتی باقی نگذارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۹۶) بنابراین، متونی که بر نازل شدن «آیه اکمال» در روز عرفه دلالت دارند، ناظر به تاریخ صدور حکم ولایت هستند و متونی که بر نازل شدن این آیه در روز غدیر خم دلالت دارند، ناظر به تاریخ ابلاغ حکم ولایت‌اند. (محمدی ری شهری،

شبهه سوم: عام بودن مصداق «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»

اشکال دیگر ابن تیمیه اینکه جمله «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»، عام است و بنابر عمومیت، مصداق ابلاغ، تمام آن چیزی است که خداوند بر پیامبر خویش نازل کرده است. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۴۷)

پاسخ شبهه سوم:

در ردّ شبهه سوم ابن تیمیه، می‌توان به ادله زیر استناد جست:

اولاً: قول ابن تیمیه مبنی بر عدم دلالت آیه تبلیغ بر امر معین، مخالف با روایات متواتری است که از جمع کثیری از صحابه و تابعین نقل شده و خاص بودن مورد نزول آیه تبلیغ را به اثبات می‌رساند. از باب نمونه به دو روایت یکی از شیعه و دیگری از اهل سنت، اشاره می‌شود. ابو جعفر کلینی (م ۳۲۸ق) با سند صحیح از امام باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند: «خداوند عزّ و جلّ، پیامبرش را به ولایت علی علیه السلام امر کرد و این آیه را بر او نازل فرمود: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...» و ولایت اولوالأمر را واجب گردانید و مردم نمی‌دانستند ولایت چیست؟ خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله را امر کرد؛ همچنانکه نماز، زکات، روزه و حج را برایشان تفسیر کرده، ولایت را نیز، تفسیر کند. پس زمانی که که این حکم آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله ترسید که آن‌ها از دینشان بازگردند و او را تکذیب کنند. ایشان دلگیر شد و به سوی پرودگار عزّوجلّ بازگشت. پس خداوند به او وحی فرمود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...»؛ پس به امر خداوند گردن نهاد و در روز غدیر خم، ولایت را به علی علیه السلام داد. (کلینی، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۲۸۹ و ابن طاووس، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷۲، باب ۱۲۲ و قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۵ و ج ۲، ص ۲۰۱)

فخر رازی نیز، پس از بیان اقوال گوناگون مفسران درباره آیه تبلیغ، می‌نویسد: «نزلت الآیه فی فضل علی و لما نزلت هذه الآیه أخذ بیده و قال: «من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه...» و هو قول ابن عباس و البراء بن عازب و محمد بن علی. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۵۰) ثعلبی نیز، در تفسیر خویش، بخشی از این حدیث را نقل کرده است.

(ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۹۲)

ثانیاً: بر قرائن قبل باید افزود که عام دانستن «ما أنزل»، با تضمین الهی به حفاظت از پیامبر ﷺ، منافات دارد. چنانچه آیه تبلیغ مربوط به اوایل بعثت بود این تفسیر وجهی داشت؛ اما با توجه به نزول آیه شریفه در اواخر عمر شریف پیامبر اکرم ﷺ دیگر این تفسیر جا ندارد؛ زیرا قبل از نزول این آیه، پیامبر اکثر تکالیف الهی را در حین سختی و غلبه مشرکین تبلیغ کرده و از آن‌ها نترسیده است. حال که سلطنت اسلام ظاهر شده، جای برای ترس و ضمانت الهی بر حفاظت از ایشان، وجود ندارد. (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۹۸؛ نجارزادگان، ۱۳۸۳ ش، ص ۳۰) با توجه به ظهور سلطنت اسلام در زمان آیه تبلیغ، خوف پیامبر و تضمین الهی، خبر از متفاوت بودن «ما أنزل»، با سایر احکام تبلیغ شده دارد. این تفاوت به قدری است که پیامبر از ابلاغ آن احساس خطر می‌کند؛ اما نه از ترس جان، که قرآن در آیات ۳۸ و ۳۹ سوره احزاب، بر طهارت دامن انبیاء از چنین ترسی شهادت داده؛ بلکه خطر اضمحلال و از بین رفتن دین در بین بوده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۸۹) به این بیان که احتمال می‌رفت عده‌ای در مقابل این ابلاغ، شورش کنند و اصل دین را منکر شوند. (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص ۳۸۷)

ثالثاً: از دیگر دلایلی که می‌توان در اثبات خاص بودن مصداق «ما أنزل» به آن تمسک جست، آیه اول سوره معارج است که با توجه به ذکر شأن نزول آن در استدلال علامه حلی (در ابتدای مقاله)، از ذکر مجدد آن پرهیز می‌شود. (ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱۰، ص ۳۵؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۳۸۲؛ مناوی شافعی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۲۱۸؛ ابن عادل، بی تا، ج ۱۵، ص ۴۵۶).

شبهه چهارم: اثبات امامت حضرت علی علیه السلام با آیه تبلیغ یعنی افتراء به قرآن

شبهه دیگر این تیمیه اینکه می‌گوید: فرضاً نیز، اگر مصداق ابلاغ، خاص باشد؛ باز هم ادعای شیعه مبنی بر ابلاغ ولایت و امامت علی علیه السلام در روز غدیر، با آیات قرآن، ثابت نمی‌شود. چون شیعه در اینجا، امامت را با قرآن اثبات نکرده، بلکه با سنت اثبات کرده است؛ پس اینکه می‌گویند امامت علی علیه السلام با قرآن ثابت می‌شود مردود است و هر کس چنین ادعایی کند در حقیقت دروغی را به قرآن نسبت داده است. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق، ج ۷،

پاسخ شبهه چهارم:

در پاسخ به شبهه فوق، سه مسأله مورد تذکر قرار می‌گیرد که برآیند مجموع آن‌ها، اثبات نادرستی ادعای ابن تیمیه در شبهه مورد بحث خواهد بود:

اولاً: اهمیت و لزوم شناخت اسباب نزول آیات، مورد تأکید بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی است. (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۹ق، ص ۱۲؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲) قرار دادن سخن ابن تیمیه در کنار تأکید دانشمندان شهیر علوم قرآنی، این سوال را به ذهن خطور می‌دهد که اگر استفاده از سبب نزول در تفسیر، افتراء به قرآن محسوب می‌شود؛ چرا بسیاری از قرآن پژوهان بر اهمیت آن تأکید کرده‌اند؟ آیا این گروه از علماء، از چنین گناهی غافل بوده و یا اینکه عامدانه بر چنین گناهی تشویق و تأکید نموده‌اند؟ تعجب از ادعای بی اساس ابن تیمیه زمانی بیشتر می‌شود که می‌بینیم خود او در باب اهمیت اسباب النزول گفته است: «شناخت سبب نزول، به فهمیدن معنای آیه کمک می‌کند؛ زیرا شناخت سبب، زمینه آگاهی از مسبب را فراهم می‌نماید.» (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ج ۱۳، ص ۳۹۹) چگونه است که جناب ابن تیمیه، سبب نزول را به عنوان یکی از قرائن فهم آیه قبول دارد، اما استفاده شیعه از احادیث اسباب النزول را برای استدلال به آیه تبلیغ، افتراء به قرآن می‌داند؛ آیا برای این تهمت، دلیلی جز عناد او نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌توان یافت؟

ثانیاً: نقش احادیث اسباب النزول، در تبیین دلالت روشن و دقیق آیات، از دیرباز، به عنوان یکی از قرائن فهم قرآن، مورد توجه مفسران فریقین نیز، قرار گرفته است. چنانکه جان ونزبرو، قرآن پژوه معاصر، در کتابش با عنوان «مطالعات قرآنی» از سبب نزول به عنوان یکی از دوازده ابزار تفسیری مفسران سده‌های نخستین، یاد می‌کند. (Berg, 2000) حال باید در پاسخ به شبهه ابن تیمیه گفت اگر عملکرد علامه حلی، در استفاده از احادیث اسباب النزول جهت اثبات دلالت آیه تبلیغ و تبیین معنای دقیق آن افتراء به قرآن محسوب می‌شود؛ پس، باید جمع کثیری از مفسران فریقین از سده‌های نخستین تا عصر حاضر را در شما مقترین به قرآن برشمرد؛ چرا که بسیاری از آنان در تفسیر و تبیین مفهوم و دلالت بسیاری از آیات از جمله: آیه ۳۳ سوره احزاب (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۳۴۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۹۸)؛

آیه ۵۵ سوره مائده (قمی، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۱۷۰؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۲، ص ۳۸۳)؛ آیه ۱۵۸ سوره بقره (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۲۵۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۲، ص ۱۷۸)؛ و آیه ۱۱ سوره نور (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ص ۵۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۷، ص ۱۱۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۸، ص ۱۳۷) و... از روایات اسباب النزول، بهره جسته‌اند.

ثالثاً: ابن تیمیه در حالی شیعه را بخاطر استدلال به آیات قرآن به کمک احادیث شأن نزول، افترا زننده به قرآن می‌خواند که خود او در برخی موارد، همانند شیعه عمل نموده است. به عنوان نمونه، ایشان برای اثبات فضیلت ابو بکر در مقام استدلال به آیه ۴۰ سوره توبه: «إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا...» می‌نویسد: «فضیلت همراهی پیامبر ﷺ در غار به نص این آیه، امری آشکار است.» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق، ج ۸، ص ۴۹۵) او برای اثبات این ادعا، به روایاتی از کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم استناد می‌کند که گفته‌اند آیه مزبور، درباره ابوبکر نازل شده است. چگونه است که این جا اثبات فضیلت ابوبکر به استناد آیه غار و با استمداد از احادیث، افتراء به قرآن محسوب نمی‌شود؛ اما استدلال شیعه به آیه تبلیغ برای اثبات امامت علی عليه السلام، با تأکید بر روایات متواتر و صحیح‌السند، گناه کبیره محسوب می‌شود؟

نتیجه‌گیری

با ملاحظهٔ مجموع آنچه در این تحقیق بیان گردید، می‌توان گفت: شبهه اول ابن تیمیه مبنی بر کذب خواندن نزول آیه تبلیغ در شأن حضرت علی عليه السلام، به دلایلی چون: عدم مبادرت ابن تیمیه به بررسی دیدگاه‌های عالمان حدیث شناس عامه در مورد احادیث شأن نزول آیه تبلیغ؛ تأیید شخصیت علمی ثعلبی از دیدگاه خود اهل سنت، و نقل احادیث شأن نزول آیه تبلیغ در اکثر منابع اهل تسنن، مردود است.

دلیل بطلان شبهه دوم ابن تیمیه؛ یعنی ادعای نزول این آیه در سالهای آغازین هجرت، اینکه چون سوره مائده آخرین یا یکی از آخرین سوره‌های نازل شده بر پیامبر خداست؛ پذیرش ادعای وی، مستلزم این است که آیه تبلیغ، سالهای متمادی، در

کتاب خدا، جایگاهی نداشته و مسلمانان بدون الحاق به سوره‌ای معین آن را قرائت می‌کردند.

دلیل عدم پذیرش ادعای سوم ابن تیمیہ، مبنی بر عمومیت مصداق «ما أنزل»، نیز عبارتند از: روایات اثبات کننده خاص بودن مورد نزول آیہ تبلیغ، منافات داشتن عمومیت مفاد «ما أنزل» با خوف پیامبر از ابلاغ و شأن نزول آیہ اول سوره معارج. دلایل ردّ شبهه چهارم ابن تیمیہ مبنی بر اینکه اثبات امامت علی علیه السلام با استمداد از سنت، افتراء به قرآن است؛ نیز اینکه این اشکال بر خلاف مبانی تفسیری خود ابن تیمیہ است. حاصل آنکه بر دلالت آیہ تبلیغ، بر امامت حضرت علی علیه السلام خدشه‌ای وارد نیست.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، تهران: سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت، ۱۳۹۳ ش.
- ابن أبی شیبہ، عبد اللہ بن محمد، مصتف ابن أبی شیبہ فی الأحادیث و الآثار، ج ۶، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۹ ق
- ابن الجزری، شمس الدین محمد، أسنی المطالب فی مناقب سیدنا علی بن ابی طالب علیه السلام، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، بی تا.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، الامالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۰ ش.
- ابن تیمیہ حزانى، احمد بن عبد الحلیم، منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه، ج (۷، ۸)، المملکه العربیه السعودیه: جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامیه، ۱۴۰۶ ق.
- ، مجموعه الفتاوى، ج ۱۳، المملکه العربیه السعودیه: مجمع الملك فهد، ۱۴۱۶ ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، المطالب العالیّه بزوائد المسانید الثمانیه، ج ۱۶، السعودیه: دارالعاصمه، ۱۴۱۹ ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، ج ۴، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۶ ق.
- ابن خلکان البرمکی، ابوالعباس شمس الدین احمد بن محمد، وفيات الأعیان و انباء ابناء الزمان، بیروت: دار صادر، ۱۹۰۰ م.
- ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، الیقین، بیروت: دارالکتاب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
- ابن عادل، عمر بن علی، اللباب فی علوم الكتاب، ج ۱۵، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.

- ابن عاشور، محمد بن طاهر، **التحریر و التنویر**، ج (۵، ۱۸)، بیروت، موسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
- ابن عساکر، علی بن حسن، **ترجمه الامام علی من تاریخ مدینه دمشق**، ج ۲، بیروت: المحمودی، ۱۳۹۸ق
- ابن قاضی شهبه، ابوبکر بن احمد بن محمد، **طبقات الشافعیه**، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۸ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، **تفسیر القرآن العظیم**، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد، **مناقب الامام علی بن ابی طالب**، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۲۴ق.
- ابو شهبه، محمد، **الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۲م.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، ج ۲، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- آلبانی، محمد ناصرالدین، **سلسله الأحادیث**، ج ۴، ریاض: مکتبه المعارف للنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ق.
- آلوسی، سید محمود، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، ج ۶، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- بحرانی، سید هاشم، **البرهان فی تفسیر القرآن**، ج ۴، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، ج (۳، ۵)، قاهره: جمهوری مصر العربیه، ۱۴۲۲ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی، **سنن الترمذی**، ج ۶، قاهره: دارالحدیث، ۱۹۷۵م.
- ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**، ج ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- جوادی آملی، عبدالله، امامت، قم: نشر اسراء، ۱۳۹۶ش.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، ج ۲، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک الصحیحین**، ج ۳، بیروت: دارالمعرفه للطباعه، ۱۴۳۵ق.
- حلی، حسن بن یوسف، **منهاج الکرامه فی معرفه الامامه**، ج ۱، مشهد: تاسوعا، ۱۳۷۹ش.
- ذهبی، شمس الدین، **سیر اعلام النبلاء**، ج ۱۴، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۸ق.
- زركشى، محمد بن عبدالله، **البرهان فی علوم القرآن**، ج ۱، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق.
- سیوطی، جلال الدین، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، ج (۱، ۲، ۳، ۵)، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- سیوطی، جلال الدین، **عبد الرحمن، الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، ج (۲، ۳، ۵)، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان**، ج (۵، ۶)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، **المعجم الکبیر**، ج ۴، قاهره: مکتبه ابن تیمیه، ۱۴۱۵ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ج (۴، ۱۷)، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، ج ۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، ج ۱۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
 قدوری الحسنی، نبیل، **ما أخفاه الروات من ليله المبيت على فراش النبي ﷺ**، کربلا: العتبه الحسينیه المقدسه، ۱۴۳۳ق.

قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لأحكام القرآن**، ج ۲، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
 قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، ج (۱، ۲)، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۱، تهران: دارالتقلین، ۱۳۹۰ش.

محمدی ری شهری، محمد، **کرائم قرآن در فضائل اهل بیت علیهم السلام**، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۴ش.

مسلم بن حجاج نیشابوری، ابوالحسنین، **صحیح مسلم**، ج ۸، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۲ق.

معرفت، محمد هادی، **التفسیر و المفسرون**، ج ۲، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۷ش.

مغنیه، محمد جواد، **الکاشف**، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.

مناوی، زین الدین، **فیض القدير شرح الجامع الصغیر**، ج ۶، قاهره: المكتبة التجاریه الكبرى، ۱۴۰۸ق.

واحدی نیشابوری، علی بن احمد، **اسباب التزول**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.

یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله، **معجم الأدباء**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

مقالات:

نجارزادگان، فتح الله، **بررسی دیدگاه‌های فریقین درباره آیه تبلیغ**، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ش ۸، ۹، ۱۳۸۳ش.

Berg, Herbert, 2000, *The Development of Exegesis in Early Islam*, Richmond (UK)